

| ۷

www.ketab.ir

خاطراتِ کتابی

| احمد اخوت



www.ketab.ir

سرشناسه: اخوت، احمد، ۱۳۳۰
عنوان و نام پدیدآور: خاطرات کتابخانه اخوت.

مشخصات نشر: تهران: نشر گمان، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص.

فروست: زندگی نگاره‌ها.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۲۰-۰۰۰-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: خاطره‌نویسی

Diaries -- Authorship

رده بندی کنگره: PN۴۳۹۰

رده بندی دیویی: ۸۰۸/۸۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۰۰۵۷۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



خاطرات کتابی



احمد اخوت

ویرایش و آماده‌سازی متن | تحریریه‌ی نشر گمان
(کیوان حشمتی، بهداد دادبه)
(با سپاس از همکاری علیرضا رفعت‌نژاد و مانا رواپند)
حروف چینی | فرحناز رسولی
صفحه‌آرایی | آتلیه‌ی نشر گمان
طراحی جلد | محمود منفرد
تصویر روی جلد | از سه‌گانه‌ی «اتاق فرناندو پوسوا»،
اثر مانوئل آمادو، ۱۹۹۳، با ارجاعی به شعری از پوسوا
(با نام مستعار «آلوارو د کامپوس») | با آغازی چنین:
«پنجره‌های اتاق من / به رمز و راز خیابانی می‌دهد
که مردمی سلام از آن می‌کنند / که خیال دیگران را به آن راه نیست.»
نظارت فنی و چاپ | احسان ناصرتواری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی | آوازه پردازانیت

شابک | ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۲۰-۰۰۰-۳

چاپ نخست | زمستان ۱۴۰۱

شمارگان | ۷۰۰ نسخه

قیمت | ۱۷۰۰۰۰ تومان

آدرس | تهران، خیابان سمیه، کوچه‌ی پورموسی،
نبش کوچه‌ی شیرین، پلاک ۴۲، واحد ۱۰

تلفن | ۸۸۸۹۷۹۸۷

سایت | www.gomanbook.com

ایمیل | goman.publication@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.
تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن و استفاده از طرح روی جلد
به هر شیوه‌ی از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی
و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



فهرست^۱

یادداشت مجموعه ۷

درآمد کتاب

شرح و بیان خاطرات کتابی ۱۳

خاطرات کتابی عام

هنر بازکردن کتابخانه / آلبرتو مانگونل ۲۶

از لابه‌لای کتاب‌ها ۳۵

حاشیه کتابی ۵۴

بوهای کتابی ۷۱

دستمال ورونیکا ۹۶

خاطره خیالی / سوزان اورلثان ۱۱۲

بازخوانی کلاسیک ۱۱۷

کلاسیک‌های ما ۱۴۰

سرنوشت کتاب‌ها ۱۵۳

خاطرات کتابی (اشخاص کتابی، مؤسسه‌های کتابی، رویدادهای کتابی)

سرنوشت کتابدار / آلبرتو مانگونل ۱۷۱

ویرجینیا وولف ناشر ۱۷۸

شکسپیر و شرکا / ارنست همینگوی ۲۰۰

۱- تمامی نوشته‌های بدون اسم نویسنده از من، احمد اخوت، است.

- ۲۰۵ شکسپیر و شرکا / جانت وینترسون
- ۲۰۹ روّنمایی کتاب اولیس / سیلویا بیچ
- ۲۱۸ بارتلمی و شرکا / انریکه بیلا ماتاس
- ۲۲۵ تالستوی در پایان خط / انریکه بیلا ماتاس
- ۲۲۷ بابل در کالیفرنیا / ایف بتومن
- ۲۳۸ بالغ شدن، از یافتادن / ریموند کارور
- ۲۴۲ سال سلینجر من / جوئنا ریکاف
- ۲۴۷ دور و نزدیک آقای نجفی
- ۲۵۳ قاصدک
- ۲۶۰ عمو گانیوی خوش شانس
- ۲۶۵ مرغ آمین

خاطرات کتابی (از کتاب‌ها)

- ۲۷۲ انجیل داستایفسکی
- ۲۸۱ نامه عاشقانه به کتاب ناتور دشت عزیز / مری اوکانل
- ۲۸۹ نگاهی دیگر به ریکا
- ۳۰۰ ابر بارانش گرفته است
- ۳۰۷ کتابخانه براتیگان

فراموشی کتابی

- ۳۱۸ اینک فراموشی
- ۳۳۳ فریب‌های حافظه / چارلز سیمیچ
- ۳۴۰ از کتاب‌هایم چه باقی می‌ماند / چارلز سیمیچ

یادداشتِ مجموعه

بسیاری چیزها را نباید گفت حتی بعد از مرگ...
اگر بعد از مرگ من به این یادداشت برخورد کردید
عین اشاره کافی است.

— نیما یوشیج، یادداشت‌های روزانه

زندگی-نگاره‌ها بیشتر شرحِ احوالات است تا توصیفِ آفاق، اعترافاتی بر پهنه‌ی سفید کاغذ که چندان به خیال ادبیات نوشته نشده‌اند. حدِ تعریفِ آنجاست که نویسنده نمی‌تواند بر آستانِ متنش بنویسد: شباهتِ نام‌ها و آدم‌ها و اتفاقات تصادفی است.

یادداشت‌نویسی و خاطرات مشخصاً مالِ دورانِ مدرنند، یا لاقلاً تدقیقِ احوالِ آدم‌های مدرن است؛ مواجهه‌ی مدام و مدیدِ آدمی یگه با مرگ و ملال و فراموشی است و نوحه بر سیاهی فنای محتوم. وجه مشترک این نوشته‌ها اینست که اساساً فرم یا ژانرِ مشخصی ندارند، حتی وقتی با احتمالِ چاپ یا واسپردن به وصی تحریر شده باشند؛ قواعد ابدی ندارند یعنی قالب و حدی ندارند؛ گاهی غیرشخصی و تأملاتی‌اند، گاهی رمزی و موجز؛ گاه شبیه برشی از داستانی، و گاهی شاعرانه می‌شوند از سر بی‌حوصلگی. گاهی هم ترس و حزم، یا شرم، یادداشت‌های نویسنده‌ای را شاعرانه می‌کند؛ گاه گزیدگی غلبه دارد، یعنی تمایل به نگفتن، و گاهی هم گشودنِ قبضِ روحی رنجور شکلِ یادداشت می‌شود. حتی

می‌شود یادداشت‌های آدمی یکدست نباشد، روزی طعنه‌زن و ملامت‌گر باشد، روزی دیگر خودستایانه، گاهی افسوس بر زندگی رفته، گاهی شرح خوشی‌ها و روزهای در راه. این سیالیّت فرم - یا به واقع بی‌شکلی - تصریفِ آزادیِ روح است: پهنه‌ی سفید و گشوده‌ی کاغذ میدانی می‌شود وسیع تا قواعد و حجاب و حائل‌های ازپیشی یا قراردادیِ روح محو شوند، و جان بگیرد این خواستِ مدرن «نقش‌زدن خویشان» یا «تقریر صریح نفس» - میراثِ تلخِ سنت آگوستین و مونتئی و روسو. پس، عجیب نیست که هیچ کتابِ مجموعه‌ی زندگی‌نگاره‌ها فرمی شبیه دیگر کتاب‌ها نداشته باشد.

شاه و شوالیه و نقاش و شاعر و آنارشیست و خداشناس در اغلب زندگی‌نگاره‌ها می‌شود دید که در وهله‌ی نخست انسانند حتی اگر گهگاه تأملات و الهامات و لفظیات بنویسند، و دل‌مشغولی‌های خیلی صریح و بدیهی خُرد و گاه آشوب‌بده دارند، داستان‌نویسی در میان‌سال‌ی از قیلوله‌ی عصرگاهی بیدار شده به تجربه‌های عشق جوانی می‌اندیشد و نگرانست که چشمانش تا آخر عمر خواهد دید یا نه؛ لغت‌شناسی از کار بی‌وقفه‌ی لغتنامه می‌نویسد که چه بارها که در شب از بستر برمی‌خاستم و پلیته بوم می‌کردم و چیز می‌نوشتم تا لغات فارسی فراهم بیایند؛ شاهی صاحبقران از بیخوابی شبانه و یاران تا سحر و خوابی کوتاه تا صبح یادداشت کوچکی نوشته، روز بعد از کابوس و هراس مرگِ مفاجا می‌نویسد؛ نویسنده و سیاست‌مداری، پس از مرگ همسر و فرزندان و کشته شدنِ یاران و هم‌زمان و دوستی شفیق، شبی می‌نویسد پس من چرا باید گذشته را به یاد بیاورم؛ شاهزاده‌ای می‌خواهد، با نظر به سوءقضا و خطراتِ پیش‌رو، چیزی به جهتِ سبکی کار بنویسد و وصیت می‌کند چون اجل برسد راضی به حرکتِ نعش خود نیستم؛ موسیقی‌دانی جایی یاد می‌کند از فراموشیِ قرار ملاقاتش با دوشیزه‌ای نادر، چرا که دستخوشِ حجم صداهای اتاق پاییزی‌اش بوده و حالا این سمفونیِ خاطره‌ی فراقِ معشوقی تا ابد از دست رفته است؛ کوشنده‌ای مشروطه‌خواه در نامه‌ای می‌نالد که طهران کدام جانور است که در یک شب صدویست انجمن زایید؟ و می‌گوید سوی چشمانش در زوال است و می‌داند ولی که باید ایران را تا پنجاه سال در جلدِ سیاه خود شست و شو داد تا قابلِ دباغی گردد؛ فیلسوفی از سرخوشی مخصوصش پس از چُرقتی مختصر در عصری پاییزی می‌نویسد که اشیا در نشگهی سیالی سُبک به چشم می‌آمده‌اند؛ شاعری تمام در پیری و تحسّر و

غُرَبَتِ خانه‌ی تجربیش می‌نویسد من استادم برای مردن، من استادم که نفهمند چه چیز مرا خُرد کرده است؛ داستان‌گویی یادداشت می‌نویسد از نقل مکرر دوست شاعرش در ماه‌های واپسین عمر که روی دست خود مانده‌ام؛ دختری از رنگ طبیعیِ چهره و حالت معمولیِ جنازه‌ی دای‌اش با سیگاری نصفه لای انگشت می‌نویسد که غمی دانست روزگاری نویسنده‌ای مشهور خواهد شد؛ اصلاً چرا من این حرف‌ها را می‌نویسم؟ که چی؟ ذکر خیری پنهانی از آن بزرگوار رفته، یا شکایت از روزگار در این آخر شب، در این خلوت خاموش تاریک و دلگیر و باران یکنواخت؛ مثلاً نویسنده‌ای در شرح سرخوشی حاصل از تماشای چای دوزنگ ساختن پدرش در عصرهای شیراز ناگهان به زبان شطح می‌نویسد: از دیدن پدرم که آسوده لم داده است و در سکوت راحت و وقار تنهایی‌اش انگار باهمیم، از همیم، خوشی‌ای به من می‌رسید؛ یا جستارنویسی که عمری یادداشت روزانه نوشته، با شنیدن خبر مرگ دوست سالانش، می‌نویسد یک‌شنبه است، دلم غمی خواست بیدار شوم. دلم می‌خواست در خواب می‌مردم. گناه کیست این توفان و گردبادی که به جان ما افتاده و جز ویرانی و پریشانی چیزی باقی نمی‌گذارد...

نوشتن از خود یک جور دست‌پیش گرفتن در برابر مرگ است و هراس فراموشی و فنا؛ مومیایی کردن نفس است، تمنای پیش‌دادختن محاکمه است؛ شلاق تطهیر است بر خود و بر میدان دید یا خواست فراهم آمدن پیشاپیش طومار اعمالی است برای روز مبادا؛ چنان‌که روسو در نخستین سطرهای اعترافاتش می‌نویسد در صورتی که بدمند، خواهم آمد این نوشته را به دست گرفته، آواز خواهم داد: اینست آنچه کردم و اندیشیدم و بودم؛ گویی حتی انتظار واپسین اعتراف در بستر احتضار هم دیگر ممکن نیست، باید دست‌به‌کار شد و از دیدن‌ها و حس‌ها و فهمیدن‌ها چیزی فراهم آورد که شباهتش با آدم‌ها و اتفاقات تصادفی اصلاً نیست؛ اما نویسنده اینجا هم می‌خواهد به شرح ردّ غیرواقعی‌های پنهان بر واقعیت معمول برسد: هنر نویسنده در زندگی‌نگاره‌نویسی آن است که به جای پیکر ساختن از توده‌ی گل نرم بتواند با طرح افکندن یکی دو خط اندیشیده و دقیق بر تن سنگی انتخاب‌شده چیزی ماندگار بیافریند که هم گزارش خود است هم شرح جهان، همان قدر که شبیه است محاکاتی است - فاصله‌اش با واقعیت را اغواگرانه انکار می‌کند.

باید بتوان فرق گذاشت میان آنچه ما مراد می‌کنیم و می‌خواهیم از خاطرات و یادداشت‌های روزانه، و آنچه بازار خودفروشی و حراج خلوت است بر دکه‌ها

و ویرترین‌ها: واقعیت‌های بفروشی زندگی فلان سیاست‌مدار، فاش‌گویی رسوایی بهمان چهره‌ی معروف و... این‌ها خواستِ تقریب به و لمسِ هرچه بیشتر و شدیدتر واقعیت است: مسح ناممکنِ آن تصویرِ حاد. اینجا خبری از این‌ها نیست.

زندگی‌نگاره‌ها را نمی‌خواهیم به ترجمه محدود کنیم، اما در سپهر زبان فارسی و ایرانِ جدید، این چنین از خود-نوشتن گستره و سرآمدهای معدودی دارد که پیشینه‌شان - پس از متونی مثل بدایع الوقایع - شاید بازمی‌گردد به روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین‌شاه و اعتماد السلطنه، سفرنامه‌ی امین‌الدوله، بیباغرافیای آخوندزاده، خاطرات شکارِ دوستعلی‌خان معیرالممالک و نمونه‌های متأخرتری مثل یادداشت‌های روزانه‌ی نیما، یا شرح زندگانی من عبدالله مستوفی، نامه‌های هدایت به شهید نورابی، در حال و هوای جوانی و از سوگ و عشقِ یاران و روزها در راهِ شاهرخ مسکوب، و «از راه و رفته و رفتار» و «رشد یک نوسال» ابراهیم گلستان. پس یکی دوگزیده فراهم می‌آید از سرچشمه‌ها، و بعد هرچه بیرزد و بتوانیم دست‌یاب ما شوند. و اگر از زندگی کسی یادداشت‌ها یا خاطراتی موجود نباشد می‌کشیم شرح حال‌های مختصری فراهم بیاوریم.

در شکل‌پذیرفتن مجموعه، سهم نوشته‌ها و ترجمه‌های جناب آقای احمد اخوت در باب ادبیاتِ خاطره‌نویسی واضح است و سپاسگزاریم اجازه دادند مجموعه با کتاب ایشان آغاز شود. پیش از این نیز در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۵ مجموعه‌ای - شامل دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی کافکا و دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی یک نویسنده‌ی داستایفسکی - در انتشارات بزرگمهر با همین ایده و نیت منتشر شده که حیف ادامه نیافت. می‌ماند به یادکرد اینکه: در طرح ریختن ایده و پیش‌رفتن کار و انتخاب کتاب و گزیدن مترجم و آماده‌سازی آثار، همراهان بسیاری مؤثر بوده‌اند که شاید نامشان بر جلد کتابی از این مجموعه هم نیاید اما از مهر و مشورت‌شان حظ برده‌ایم و سپاسگزاریم: احمد اخوت، آبتین گلکار، عماد مرتضوی؛ و البته از دوستی مترجمان کتاب‌ها و ویراستاران و دقت نمونه‌خوانان و دلسوزی حروف‌چینان و کارگران چاپخانه و صحافی و مهربانان دیگر. یادکرد این‌ها حرمی‌ست به سپاس رفتار فرهنگی‌شان و هم احترامی به ایده‌ی زندگی‌نگاره‌ها در به یادداشتن جزئیات و یادها و خط‌ها و رنگ‌ها و غروب‌ها و اشک‌ها و عطرها و تداعی‌ها و سوداها و تن‌ها، و دل-نهادن به هیچ‌یک و مهتای دیار سایه‌ها و فراموشی شدن.